

تحلیل سیاسی هفته (۳۵)

موافقتنامه‌های استراتژیک افغانستان با دولت‌های اروپایی

حامد کرزای رئیس‌جمهور افغانستان در جریان سفر به کشورهای اروپایی چندین موافقتنامه استراتژیک را با کشورهای ایتالیا، فرانسه و انگلیس به امضا رساند. وی در سفر به ایتالیا ضمن دیدار با مقامات ارشد این کشور توافقنامه مشارکت و همکاری را در حضور ماریو مونتی نخست‌وزیر ایتالیا به امضا رساند. در این موافقتنامه دولت ایتالیا متعهد شده است که برای تسهیل فرآیند گفتگو میان دولت کرزای با شورشیان طالبان تلاش کرده و همچنین در مبارزه با قاچاق مواد مخدر به دولت افغانستان کمک کند. در این موافقتنامه همچنین بر تقویت همکاری‌های اقتصادی میان دو کشور تأکید شده است.

حامد کرزای پس از ایتالیا راهی پاریس شد و یک موافقتنامه دوستی با دولت فرانسه به امضا رساند. براساس موافقتنامه دو کشور، سربازان فرانسوی حتی برای پس از سال ۲۰۱۴ به مأموریت‌های آموزشی خود ادامه خواهند داد هرچند نقش جنگی آنها در پایان سال ۲۰۱۳ به‌طور کامل به پایان خواهد رسید.

سرانجام با سفر کرزای به لندن یک توافقنامه همکاری بلندمدت بین او و دیوید کامرون نخست‌وزیر انگلیس به امضا رسید. گفته می‌شود که این قرارداد چشم‌انداز همکاری میان دو کشور را پس از سال ۲۰۱۴ ترسیم می‌کند. مطابق با یکی از بندهای موافقتنامه دو کشور، با حمایت انگلیس یک دانشگاه نظامی در افغانستان تأسیس خواهد شد.

درخصوص عوامل مؤثر در امضای چنین توافقنامه‌هایی به موارد مختلفی اشاره می‌شود. رسانه‌ها و تحلیلگران غربی، موضوع را از این زاویه مورد بررسی قرار می‌دهند که با نزدیک شدن به موعد خروج نظامیان ناتو از افغانستان، دولت کرزای در تلاش است تا با امضای این قبیل قراردادهای امنیت افغانستان را در برابر تهدیدهایی که ممکن است با خروج نظامیان خارجی مطرح شود حفظ نماید. آنها موضع وزارت خارجه افغانستان درخصوص امضای قراردادهای مشابه با استرالیا، اتحادیه ناتو و اتحادیه اروپا در آینده را نیز در همین چارچوب تحلیل می‌کنند. این در حالی است که به نظر می‌رسد افزایش هزینه‌های گزاف ناشی از تداوم حضور نظامی کشورهای غربی در افغانستان از جمله افزایش تلفات و نیز هزینه‌های اقتصادی ناشی از این حضور و گسترش انتقادات و اعتراضات داخلی - که گزینه خروج از افغانستان را به یک راهبرد اجتناب‌ناپذیر مبدل ساخته - سبب شده تا غربی‌ها برای تداوم روند نفوذ و مداخله خود در افغانستان راهکارهای دیگری را مدنظر قرار دهند که امضای قراردادهای استراتژیک با دولت کرزای یکی از مهمترین آنها می‌باشد. به همین دلیل است که امروزه تلاش برای انعقاد موافقتنامه استراتژیک با افغانستان به یک اولویت اصلی در سیاست خارجی آمریکا تبدیل شده است. بر همین اساس کشورهای اروپایی نیز تلاش می‌کنند تا در چارچوب چنین قراردادهایی تداوم نفوذ و حضور خود در افغانستان را تضمین نمایند.

در عین حال درخصوص امضای قراردادهای همکاری استراتژیک با کشورهای غربی برخی ملاحظات به شرح ذیل قابل طرح است: اول اینکه، بیش از ده سال حضور نیروهای نظامی غربی در افغانستان دستاوردی از حیث تأمین امنیت و ثبات برای افغان‌ها به‌همراه نداشته است و از این رو، معلوم نیست که این قبیل توافقات استراتژیک بتواند به بهبود وضعیت امنیتی یا اقتصادی افغانستان در آینده کمکی نماید. به‌ویژه اینکه برخی نیروهای مهم داخلی در افغانستان مخالفت بنیادینی با هرگونه توافق استراتژیک با کشورهای غربی دارند. این مخالفت می‌تواند از طریق افزایش سطح انتقادات از سیاست خارجی دولت کرزای چالش‌های بیشتری را متوجه ثبات این دولت نماید.

دوم، مردم افغانستان تحت تأثیر تجربه‌های ده سال گذشته نسبت به اهداف و عملکرد کشورهای غربی بدگمانی فزاینده‌ای دارند. پندار غالب در سطح افکار عمومی آن است که قراردادهای جدید استراتژیک با کشورهای غربی بیشتر می‌تواند به‌منزله ابزاری برای مهیا نگه داشتن زمینه نفوذ و دخالت کشورهای چوَن فرانسه و انگلیس در امور داخلی افغانستان باشد. این مسئله می‌تواند حجم انتقادات داخلی از اقدام دولت افغانستان در انعقاد چنین قراردادهایی را افزایش دهد.

سوم، ابعاد موافقتنامه‌های استراتژیک میان افغانستان با کشورهای غربی به‌طور کامل روشن نیست و برخی ابهامات در مورد آنها وجود دارد. از جمله اینکه در مورد قرارداد مشارکت استراتژیک با فرانسه که بر انجام مأموریت‌های آموزشی نیروهای فرانسوی در افغانستان پس از سال ۲۰۱۴ اشاره دارد، هیچ اشاره‌ای به اینکه این مأموریت تا چه زمانی به طول خواهد انجامید نشده است.

چهارم، به اعتقاد کارشناسان رکود و بحران اقتصادی اروپا، کشورهای این قاره را نسبت به برعهده گرفتن نقشی فعال در فرآیند احیای امنیت و اقتصاد افغانستان که متضمن هزینه‌های گزافی برای آنها خواهد بود بی‌تمایل کرده است. رهایی از هزینه‌های جنگ در افغانستان اساساً یکی از دلایل طراحی استراتژی خروج از سوی این کشورها بوده است. در چنین شرایطی به‌نظر می‌رسد که تصمیم اخیر دولت سارکوزی برای تعلیق فعالیت آموزشی نیروهای فرانسوی در افغانستان که در پی حادثه کشته شدن چهار نظامی این کشور در ولایت کاپیسا به انجام رسید (هر چند این فعالیت آموزشی با سفر کرزای به پاریس دوباره برقرار شد) و پس از آن، اعلام خروج سریع‌تر نیروهای فرانسوی از افغانستان نسبت به دیگر نیروهای عضو ناتو، بیشتر نشاندهنده آن است که کشورهای غربی مترصد پدید آمدن کوچکترین فرصت و بهانه‌ای برای کاهش هزینه‌های خود در افغانستان هستند. در چنین شرایطی دولت حامد کرزای نباید انتظار داشته باشد که موافقتنامه‌های جدید با کشورهای اروپایی به ورود فعال این کشورها در فرآیند پرهزینه برقراری امنیت و بازسازی اقتصادی افغانستان منجر شود. هدف غربی‌ها از انعقاد قراردادهای استراتژیک با افغانستان صرفاً فراهم کردن زمینه تداوم اعمال نفوذ در این کشور بدون برعهده گرفتن هزینه‌های اقتصادی معطوف به بازسازی است.

پنجم، امضای قراردادهای همکاری استراتژیک با کشورهای اروپایی در حالی به انجام می‌رسد که دولت افغانستان کماکان با چالش‌های امضای قرارداد استراتژیک با آمریکا روبرو است، موضوع واگذاری پایگاه‌های نظامی دائمی به آمریکا از جمله موانع اصلی امضای چنین قراردادی است. این موضوع با مخالفت شدید کشورهای منطقه و نیز جناح‌ها و نیروهای داخلی افغانستان مواجه شده است و همین مخالفت‌ها به‌ویژه (مخالفت‌های داخلی و از جمله پارلمان) مانع از امضای قرارداد تا به امروز شده است. از این رو به‌نظر می‌رسد که امضای چنین قراردادهای استراتژیکی با کشورهای غربی بیش از آنکه کمکی به تأمین ثبات و امنیت در افغانستان کند موجبات تشدید اختلافات داخلی و واگرایی در روابط خارجی منطقه‌ای افغانستان را فراهم می‌سازد.

به‌طور کلی چنانچه کشورهای غربی موفق به تأمین منافع و مطامع مورد نظر خود در افغانستان از طریق انعقاد چنین موافقتنامه‌هایی شوند، این امر تأثیر بسزایی بر سرنوشت افغان‌ها برجای خواهد گذارد. از جمله اینکه فرآیند تثبیت حاکمیت و استقلال ملی آنها را به تأخیر خواهد انداخت. این امیدواری وجود داشت که با آغاز فرآیند خروج نیروهای خارجی از افغانستان این فرآیند با سرعت و شتاب بیشتری تکمیل شود. با اینحال، افزایش نگرانی‌ها درخصوص انعقاد قراردادهای استراتژیک با کشورهای غربی تا حدودی این چشم‌انداز را تاریک کرده است. از این رو نیروهای داخلی در افغانستان به‌ویژه مجلس این کشور برای جلوگیری از تهدید مجدد استقلال افغانستان وظیفه‌ای خطیر برعهده دارند. مقاومت در برابر هرگونه اقدام منتهی به تثبیت سلطه کشورهای غربی بر افغانستان مهمترین وظیفه آنها در شرایط حساس کنونی است. در داخل ایران نیز ضرورت دارد که مجلس شورای اسلامی از طریق تقویت روند دیپلماسی پارلمانی در رابطه با افغانستان و رایزنی با نمایندگان مجلس این کشور نسبت به حساس‌تر ساختن آنها در برابر موافقتنامه‌های استراتژیک با کشورهای غربی اقدامات لازم را به انجام رساند.